

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

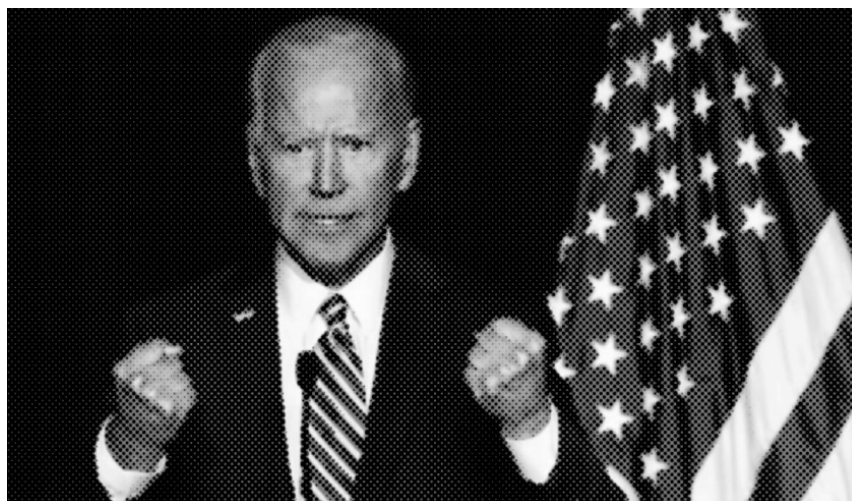
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده : دکتر موفق محادین *
برگردان از: احمد مزارعی
۰۴ فبروری ۲۰۲۱

سناریوی امپریالیستی: خاورمیانه بدون اعراب و ایرانیها



از دهه ها و به شکلهای مختلف و به طور مستمر امپریالیسم امریکا و همپیمانانش رژیم صهیونیستی و مترو پلهای سرمایه داری اروپا، می کوشند تا خاورمیانه بزرگ را متلاشی کنند. از طرفی سالهای زیادی است که برنامه ای منظم در دست اجراء می باشد که می کوشد تضاد اصلی را در خاورمیانه که میان اعراب، صهیونیستها و امپریالیستها می باشد به تضادی دیگر تبدیل کنند که گویا تضاد اصلی در خاورمیانه میان ایرانیها و اعراب است تا بدینوسیله تضاد اصلی ملل منطقه را که با غرب است تبدیل به تضادی شرقی نمایند و بدینوسیله اسرائیل صهیونیستی و غرب امپریالیستی را که دشمن اصلی ملل شرق و منطقه می باشند از تیررس و از انتظار دور نگهدارند.

شراکت تاریخی ایرانیها و اعراب

تحت هیچ شرایطی امکان ندارد که شراکت و نقش شخصیتهای فکری ، ادبی و علمی ایرانیها را در طول دوره شکوفائی خلافت عباسیان در خارج از شراکت و همفکری ایرانیها و اعراب در نظر گرفت بلکه ملت های قومیت ایرانی شریک در

بازسازی و تصحیح لغت و قاعده زبان عربی بوده ، به ویژه در این مورد مشخص می توان از سیبویه و خلیل بن احمد یاد کرد و این به غیر از شرکت ایرانیها در کوششهای فلسفی و تمدنی آنها، از ساختن شهر بغداد پایتخت عباسیان مطابق معماری دوره ساسانی و تا بنای «بیت الحکمه» را شامل می شد

بسیاری از مردم عمق و ریشه های قبل از اسلام این شراکت تاریخی و بسیار قوی را نمی دانند، امپراتوری پارسها قبل از اسلام لغت آرامی را که ریشه های عربی داشت مورد استفاده قرار دادند و همین ابجد بود که ترکها آن را در زمان اتاتورک لغو کردند، زبان آرامی متضمن فلسفه مانوی است که دارای ایدئولوژی فلسفی توازن میان نفس و جسد و همچنین رموز افسانه ئی آب و آتش است.

در اینجا باید از جدائی عظیمی که میان ایرانیها و اعراب اتفاق افتاد نام برد و آن هجوم بادیه نشینان عثمانی در قرن شانزدهم بود که از جنگ چالدران علیه ایرانیها و جنگ مرج دابق علیه مناطق اعراب در سال ۱۵۱۶، میلادی بود.

ظلمات عثمانیها بر اعراب سایه می افکند

اگر ایرانیها توانستند در جنگهای بعدی زمام امور خود را در دست گرفته و بنای دولت مستقلی را در عهد صفویها و قاجارها بنیانگذاری کنند، به عکس سایه ظلمت فنودالیسم عثمانی چند قرن بر اعراب سایه افکند و هنگامی که از این دوره ظلمانی عثمانی خلاصی یافتند خود را تحت سلطه اشغالگران استعمار سرمایه داری اروپا یافتند.

چند دهه دیگر گذشت تا جمال عبد الناصر به میدان آمد و اعراب را مجدداً در قلب تاریخ قرارداد و اولین نماد سیاست استعماری عثمانی را که به نام «پیمان بغداد-انقره» معروف بود رسوا کرده و با شکست رویه رو نمود، این پیمان به مثابه دست دراز شده جنوبی «پیمان اتلانتیک شمالی» بود و تکراری بود از اقدام محمد علی پاشا در قرن نوزدهم مصر که در آن زمان موفق شد عثمانیها را در شرق کشورهای عربی شکست دهد و سلطان عثمانی را در خانه خودش ستانبول به محاصره درآورد . در این زمان سه کشور استعماری بریتانیا، قیصر روسیه و اتریش علیه مصر متحد شده و محمد علی پاشا را مجبور کردند تا از محاصره سلطان عثمانی عقب نشینی کند ، همین حادثه در زمان عبد الناصر و چند کشور عربی در جنگ ۱۹۶۷، تکرار شد ، سپس این تجاوز استعماری در زمان انور سادات ، مردی که نماد و نماینده ارتجاع ، نفت ، بانک جهانی و درهای باز اقتصادی بود و مقدمه و آمادگی فراهم شد برای امضای قرارداد ننگین «کمپ دیوید» و همچنین مرحله ای شد تا بدینوسیله حلقه های مقاومتی که در جهان عرب به وجود آمده بود شکسته شود ، در این میان تنها سوریه با تمام توان ایستادگی نمود، زبان و لغت مقاومت را و تاریخ مقاومت را در جای واقعی خود نشانید و در همراهی با همسایه ایرانی خود در منطقه و همچنین روسیه مرزهای مقاومت و هویتهای جدیدی را علیه استعمار رقم زدند.

از دهه ها و با اشکال مختلف و مستمر امپریالیسم امریکا و همپیمانانش رژیم صهیونیستی و مترو پلهای سرمایه داری اروپا، می کوشند تا «خاورمیانه بزرگ را تجزیه کنند» از شمال افریقا تا افغانستان ، همه را تبدیل به نقشه های جغرافیائی خونین و هویتهای طایفه ئی تازه ای تبدیل کنند، آنان در راه اعمال این برنامه شوم خود از هرگونه ابزاری استفاده می کنند، ابزارهای نرم و خشن، از قلمهای اطلاعاتی و یا منبرهای تبلیغاتی ، تا انقلابات رنگی و گروههای اصولگرا و تکفیری و لیبرالیسم یکسان استفاده می کنند و به بسیاری اعمال جنایتکارانه و تجاوزکارانه دیگر دست می زنند. در حالی که متروپلهای سرمایه داری خدمات گوناگونی را به این سناریو تقدیم می داشتند، حکومتهاى ارتجاعی عربی نفتی منطقه نیز خدمات مالی و تبلیغاتی و معاملات هنگفت تسلیحاتی علنی و مخفی خود را در اختیار این سناریو قرار می دادند، از آنسو حکومت عثمانی جدید جزئی اساسی و در حقیقت ضلع سوم این سناریو بود، اضافه بر واشنگتن و «تل

ابییب» و در زیر شعار علنی و واضح : ولایتها و کانتونهای طایفه ئی و صهیونیستی به جای شرق فعلی تبلیغ و عمل می شد.

لازم است گفته شود که مثلث نظریه پردازان یهودی ، همچون برنارد لوئیس ، لیو اشتراوس و نوح فیلمدان از این جریانات و وقایع دور نبودند بلکه مصدری بسیار غنی از تفکرات صهیونیستی و «حقانیت» عثمانیگری بودند که به سناریوی موجود خدمت می کردند. این تفکرات در ادامه در شکل گروههای تروریستی و مزدور جدید عثمانی به ضد اعراب و ایرانیها در منطقه عمل می کردند.

عملکرد صهیونیستی: در شکل توسعه دادن نفوذ این رژیم از فلسطین اشغالی و تا منطقه خلیج و در همکاری با بقایای غرب رود اردن و حاکمیت اسلو و دولت اردن به عنوان «دولت میانجی» که البته تنها جغرافیا و ساکنان بیشتر نیستند و در این جغرافیا هیچ نیروی سیاسی و مدنی جدی و مستقل وجود ندارد و از مظاهر این اقدامات برنامه های متعددی همچون خط راه آهن میان حیف و خلیج بود و یا آنچه که در حرف گفته می شود «پروژه های گسترده وصل کردن نیوم به اشدود» (عربستان به اسرائیل)

عملکرد ترکیه : در زیر شعار «رهبر جهانی مدافع اهل سنت» اردو خان خود را برای بزرگداشت «یکصدسالگی قرارداد لوزان» آماده می کند، هدف اردو خان از احیا و یا بزرگداشت قرارداد لوزان چنگ اندازی مجدد ترکیه بر مناطق مختلفی در کشورها و اشغال آنها و ایجاد اشکال مختلفی از حکومت از نظامی گرفته تا اطلاعاتی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم و برای مثال اشغال مناطقی در سوریه و عراق تا مصراته در غرب لیبیا و غارت ثروتهای موجود در این مناطق، هم اکنون دولت ترکیه اقدام به شناسائی ترکها در این مناطق و سرشماری آنها تحت عنوان «رعایای ترکیه» در کشورهای مجاور که زمینه ای می باشد برای رخنه در این کشورها و غارت ثروتهایشان.

محور مقاومت و ممانعت موقعیت خود را تحکیم می بخشد

معروف است که بورژوازی ترکیه نظریه سکولاریسم را به این دلیل رواج داد تا بتواند وارد اتحادیه اروپا شود، اکنون این بورژوازی عقب نشینی کرده و شعار «دفاع از اهل سنت» را برای رقابت در بازارها و منابع شرقی انتخاب کرده است. در مقابل محور مقاومت عربی - ایرانی ، موقعیت خود را از موضع و تشخیص ملی در قانون تضادها انتخاب کرده است: تضاد اساسی با امپریالیسم است، اما تضاد رئیسی با صهیونیسم ، انعکاسات این دو تضاد در ارتجاع و تبعیت است.

در مقابل گروههای وابسته به صهیونیسم و عثمانی ، بنیه محور مقاومت هر روز گسترده تر و قوی تر و بر تجربیاتش در سطح منطقه از لبنان گرفته تا فلسطین و تا باب المندب بیشتر می شود.

افزون بر آنچه که محور مقاومت و ممانعت متحقق می سازد ، چه در مراکز رسمی و اطراف خود از جنگ و ایستادگی و پیشروی در تمام جبهه ها ، به طور حتم باید گفت که در عین حال این محور ترسیم نقشه جدید خاورمیانه ملی و مقاوم را بر اساس حقایق تاریخ و جغرافیا و جایگاه واقعی اعراب و ایرانیها و نقش آنها را دران تعیین می کند.

* - دکتر موفق محادین استاد در فلسفه ، رئیس اتحادیه نویسندگان اردن و معاون اتحادیه نویسندگان آسیا و آفریقا و همچنین رئیس مرکز مطالعات سوسیالیستی اردن می باشد ، از وی مقالاتی به فارسی ترجمه و در مطبوعات ایران به چاپ رسیده است، ایشان چند بار برای کارهای تحقیقاتی به ایران سفر کرده است.

پانزدهم بهمن [دلو] ۱۳۹۹